



سقوط هواپیمای تهران - یاسوج و رسوایی جدید جمهوری اسلامی

حدود ساعت هشت و پنج دقیقه صبح روز یکشنبه بیست و نهم بهمن ماه 1396 ، یکی از هواپیما های شرکت هواپیمائی "آسمان" که از تهران عازم یاسوج بود ، در پنجاهمین دقیقه پرواز خود به علت نامعلومی دچار سانحه هوائی شد و در منطقه پادناى سمیرم ، در دامنه کوه های دنا سقوط کرده و نهایتاً به متلاشی شدن آن منجر شد. تمامی شواهد و اسناد منتشر شده در ارتباط با دلیل سقوط هواپیمای مذکور و همچنین چگونگی برخورد مسئولان جمهوری اسلامی پس از سانحه ، بیانگر آن است که این رژیم چگونه برای جان انسانها پیشیزی ارزش فائل نبوده و با بی مسئولیتی تمام با مسایل جدی که خطر مرگ برای انسانها دارد برخورد می کند. بررسی مسابلی که در رابطه با سقوط این هواپیما اتفاق افتاده این امر را به خوبی آشکار می سازد.

در همان روز یکشنبه و ساعاتی پس از سقوط این هواپیما ، مقامات جمهوری اسلامی اعلام نمودند که تمام شصت و شش سرنشین هواپیما ، اعم از مسافر و خدمه جان باخته اند! اعلام این خبر در شرایطی صورت پذیرفت که هنوز نه پیکره متلاشی شده هواپیما مشاهده شده بود و نه تلاشی برای یافتن اجساد سرنشینان کشته شده و یا مسافرن احتمالاً زخمی شده ، صورت پذیرفته بود و نه حتی خبری از محل دقیق سقوط هواپیما گزارش داده شده بود. اعلام چنین خبری در چنین شرایطی تنها نشان می داد که مسئولان رذل و پست فطرت جمهوری اسلامی ، صرفه را در آن دیده بودند که به یکباره با اعلام مرگ همه مسافران ، هم خیال خود را راحت کنند و هم بر روی مسئولیت خود در نجات جان بازماندگان ، پرده بکشند.

این رذالت غیر قابل باور آنگاه بیشتر برجستگی پیدا می کند و در واقعیت هم کرد که کسانی از اقوام سرنشینان اعلام کردند که پس از سقوط هواپیمای مذبور ، از بستگان شان در هواپیما ، تلفن هایی مبنی بر درخواست کمک داشته اند و این مسئله آنگاه بیشتر انعکاس یافت که وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی - مجد آذری جهرمی که خود دستی در سرکوب و پرونده سازی علیه مردم داشته است نیز تایید کرد که تلفن همراه یکی از سرنشینان پس از سقوط هواپیما ، کماکان روشن و فعال بوده و وجود همین تلفن ، وسیله ائی برای رد یابی محل دقیق هواپیما شد! با همه این اوصاف ، در ساعات اولیه این سانحه ، هیچ اقدام جدی ای از طرف دولت برای نجات جان سرنشینان هواپیمای ساقط شده صورت نگرفت.

پس از چند روز که بالاخره هواپیمای سقوط کرده پیدا شد و اجسادى از سرنشینان به چشم دیده شدند ، با روشنی هر چه بیشتری تائید شد که جمهوری اسلامی در جهت نجات جان حادثه دیدگان به موقع گام برنداشته و عملاً در مرگ آنها مسئول است. بر این اساس که هم در رسانه های داخلی و هم خارجی این خبر اعلام شد که برخی از قربانیان این حادثه از فرط سرما ، پتو های داخل هواپیما را بدور خود پیچیده و تلاش داشته اند تا خود را از سرما در امان نگهداشته تا بتوانند یا خود را به جای امنی برسانند و یا این که در همان جا منتظر گروه های امداد باقی بمانند! در حالی که دست اندر کاران جمهوری اسلامی اساساً به طور جدی در فکر اعزام گروه نجات نبودند ، چه رسد به این که عملاً اقدامی در این زمینه صورت دهند.

اما در مورد خود هواپیمای سقوط کرده ، همه گزارشات بر کهنه و فرسوده بودن و از کار افتادگی هواپیما صحت گذاشته اند. در نتیجه سنوال اینجاست که چرا هواپیمای آ.ت.ر هفتاد و دو که بقول خود مسئولان جمهوری اسلامی نزدیک به بیست و پنج سال عمر داشته و فرسوده محسوب می شده ، و باز هم به قول خود مسئولان جمهوری اسلامی ، چندین بار موتورهایش تعمیر شده و همچنین چند سال در فرودگاه شیراز زمین گیر بوده است ، دوباره و بدین شکل به کار گرفته شده است؟ این مسئله میزان نقص فنی هواپیمای مزبور که منجر به فاجعه جانباختن بیش از شصت و شش انسان شد را نشان داده و از عمق فساد در درون دستگاه های جمهوری اسلامی و بی مسئولیتی دزدان حاکم خبر می دهد. در واقع همه فاکت های ارائه شده بیانگر آنند که آنچه پیش آمد سانحه ای بود که می شد از آن جلوگیری نمود و صرفا به دلیل بی مبالاتی مسئولان جمهوری اسلامی رخ داده است.

امروز بر اساس اخبار منتشر شده معلوم می شود که در ایران هواپیماهایی به کار گرفته می شوند که فاقد دستگاه جی پی اس مخصوص و ضروری می باشند. با این حال خلبانان را مجبور به پرواز با چنین هواپیماهایی می کنند که می دانند از وضعیت کیفی لازم برخوردار نمی باشند و نقایص موجود در آنها ضریب و میزان ریسک خطر را بسیار بالا می برد. کار به آنجا کشیده شده که شرکت های هواپیمائی و از جمله شرکت آسمان با گرفتن چک های ضمانتی از خدمه هواپیما ها ، آنها را تحت فشار قرار می دهند تا به شرایط ناامن پرواز تن در دهند.

تنها نگاهی به این عوامل ، به روشنی نشان می دهد که مردم ما در چه موقعیت های اسفناکی به سر می برند که در آن ، زمینه هرگونه فاجعه و سانحه ای از نوع سقوط هواپیمای مزبور از قبل قابل پیشبینی می باشد. هواپیمایی فرسوده و با نقص فنی ، موتور هایی بشدت آسیب دیده با سابقه چندین باره تعمیرات جدی ، از کار افتادگی چندین ساله ، تهدید و تمهید خلبانان به پرواز اجباری با اخاذی اسناد حقوقی و به اصطلاح قانونی از آن ها که باعث پریشانی فکر و روان آن ها می شود ، امساک و صرفه جویی در خرید قطعات جدید و پیشرفته ، به دلیل دزدی ها و ارتشاء مسئولان ، در نتیجه ساماندهی و وقوع فاجعه چنین هولناکی ، قطعی ست. تازه رذالت مسئولان جمهوری اسلامی تنها به شرایطی که قبل از پرواز ایجاد کرده اند ، بر نمی گردد. واضح است که در صورت اختصاص بخش کوچکی از بودجه ای که صرف خرید اسلحه و جنگ در این یا آن کشور منطقه می کنند برای سالم سازی هواپیما ها ، فجایع آنچنانی نیز به وجود نمی آیند. البته وقتی شیوه برخورد سردمداران جمهوری اسلامی پس از فاجعه اخیر در نظر گرفته شود که به جای بسیج امکانات شان برای نجات جان بازماندگان ، آنقدر تعلل می کنند تا سرما ، همان چند نفری هم که در جریان حادثه زنده مانده اند را نابود سازد ، آنگاه معلوم می گردد که به قول معروف خانه از پای بست ویران است.

واقعیت فوق در عین حال با نشان دادن بی مبالاتی و حد فساد در درون دستگاه های جمهوری اسلامی به نوبه خود ثابت می کند که جمهوری اسلامی به راستی اصلاح ناپذیر است و راهی جز سرنگونی در مقابله با آن وجود ندارد. تا آنجا که حتی جهت برخورداری از حداقل ایمنی و سلامت پرواز در ایران ، امروز ضروری است که هر چه زودتر این رژیم وابسته به امپریالیسم به دست پر توان توده ها سرنگون شده و راه برای قدرت گیری طبقه کارگر و ایجاد جامعه ای نوین در خدمت رفاه و آسایش وسیع ترین توده های مردم هموار گردد.

نگاهی کوتاه و اجمالی به فجایعی که در همین چندین ماه اخیر در ایران زیر سلطه جمهوری اسلامی رخ داده ، همچون فاجعه آتش سوزی در ساختمان پلاسکو ، عدم رسیدگی به زلزله زدگان در غرب کشور و غرق شدن کشتی

نفتکش سانچی و سقوط هواپیمای مورد بحث ، همه و همه به روشنی نشان می دهند که جمهوری اسلامی آنچنان پوسیده و ناتوان شده که همه سردمداران غارتگر رژیم به تنها چیزی که فکر می کنند ، اختلاس و دزدی های میلیارد تومانی از بودجه های کشور و پر کردن جیب های گشاد خود می باشند. به همین دلیل هم تا نظام جمهوری اسلامی برقرار است مردم ما روز خوش نخواهند دید. پس سرنگون باد جمهوری اسلامی ، تا برای رسیدن مردم تحت ستم ما به ایرانی آباد و آزاد و دمکراتیک که در آن منابع کشور صرف رفاه و آسایش آن ها شود ، سدی نباشد و دیگر فساد ، دزدی ، ارتشاء و غارت و چپاول بر روی زمین این رژیم منفور ، جان انسانها را در آسمان به بازی نگیرد.

ما ضمن ابراز همدردی با خانواده های کشته شده گان این سانحه دردناک ، بار دیگر بر مسئولیت مستقیم رژیم دزد و فاسد جمهوری اسلامی در بروز این حادثه تاکید می کنیم.

چریکهای فدائی خلق ایران
بیست و سوم فوریه 2018